

شیخ بها الدین محمد عاملی (شیخ بهائی)

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش...



خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت:

شیخ بها الدین محمد بن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن علی بن حسین بن محمد بن صالح حارثی همدانی عاملی جبعی، معروف به (شیخ بهائی)، در سال 953 هجری قمری در بعلبک از توابع جبل عامل در يك خاندان علم و دانش که تبار و نسب خود را به (حارث همدانی) یکی از یاران مخلص علی (علیه السلام) می رسانند، پا به عرصه حیات نهاد پدر عالیقدر او، عالم بزرگوار، شیخ حسین فرزند عبدالصمد حارثی بوده است، در ایام جوانی، در اثر سختگیریها و کارشکنی هایی که در امور شیعه در جبل عامل پیش آمده بود، وی به ایران منتقل گردید و کودک نو پا نیز همراه پدر بود که آن زمان عهد حکومت صفویه بود، حکومت صفویه که حرکت سیاسی خود را با تز دفاع از اهل بیت (علیه السلام) و دوستی و مودت آل عصمت (علیه السلام) شروع کرده بود، به همین دلیل وی به حکومت صفوی پیوست و با خاندان بزرگ منشار که عنوان (شیخ الاسلامی) حکومت را داشت، وصلت نمود.

تحصیلات:

وی از کودکی چون دارای ذوق سرشار و استعداد وافی و جامع بوده توانست از همان اوان کودکی از محضر بزرگان و دانشمندان متعددی کسب علم نماید، به خاطر همین از محضر پدر شروع نمود، تفسیر و حدیث و ادبیات عرب را از پدر، حکمت و کلام و بعضی علوم معقول را از ملا عبدالله مدرس یزدی، و ریاضیات را از ملا علی مذهب و ملا افضل قاضی مدرس و ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی، و طب را از حکیم عماد الدین محمود، و صحیح بخاری را نزد محمد بن عبداللطیف مقدسی آموخت.

اساتید:

شیخ بهائی به کشورهای مختلفی مسافرت کرده و از محضر اساتید متعددی در رشته های گوناگون کسب علم نموده است که مهمترین آنها عبارتند از:

- 1- پدر بزرگوار خویش.
- 2- ملا عبدالله مدرس یزدی، صاحب حاشیه ملا عبدالله .
- 3- ملا علی مذهب .
- 4- ملا افضل قاضی مدرس .
- 5- ملا محمد باقر بن زین العابدین یزدی، صاحب کتاب مطالع الانوار، .
- 6- حکیم عماد الدین محمود .
- 7- محمد بن عبداللطیف مقدسی .

شاگردان:

برای پی بردن به مقام علمی و میزان دانش شیخ، کافی است بدانیم که متجاوز از چهل تن از دانشمندان و بزرگان قرن یازدهم هجری قمری از وی علم آموخته و بهره برده اند و بعضی از آنان عبارتند از:

- 1 - ملا صدرا .
- 2 - فیض کاشانی.
- 3 - علینقی کمره ای .
- 4 - محقق شیخ الاسلام .
- 5 - فاضل جواد.
- 6 - مجتهد مفتی اصفهانی .

تالیفات:

شیخ بهایی یکی از پر برکت ترین علمای جهان اسلام از نظر تألیف بوده است، برخی تعداد تالیفات او را با توجه به رساله ها و حاشیه ها و تعلیقه ها، به 200 جلد رسانده اند، ولی تازه ترین تحقیق در این مورد، از جناب آقای دکتر محمد باقر حجتی، است که به کنفرانس دمشق (در مورد شیخ بهائی) ارائه داده اند، تعداد آنها 123 جلد است که عبارتند از:

الف - فقه (29 جلد):

اثنى عشریات خمس :

- 1 - نماز .
 - 2 - زکوة .
 - 3 - روزه .
 - 4 - حج .
 - 5 - پاسخ سؤال شاه عباس .
 - 6 - پاسخ سؤالات شیخ صالح جابری .
 - 7 - اجوبه مسائل جزائریه .
 - 8 - احکام سجود و تلاوت .
 - 9 - جامع عباسی .
 - 10 - جواب مسائل شیخ جار .
 - 11 - حاشیه بر ارشاد الازهان علامه حلی .
 - 12 - حاشیه بر قواعد علامه .
 - 13 - حاشیه بر قواعد شهید اول .
 - 14 - حاشیه بر احکام الشریعه علامه حلی .
 - 15 - الحبل المتین .
 - 16 - الحریریة .
 - 17 - الذبیحیه .
 - 18 - شرح فرائض نصیریہ خواجه نصیر الدین طوسی .
 - 19 - فرائض بهائیہ (بخش ارث) .
 - 20 - قصر نماز در چهار مکان .
 - 21 - مسح بر قدمین .
 - 22 - مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین .
 - 23 - رساله فی مباحث الکر .
 - 24 - رساله فی القصر و التخییر فی السفر .
 - 25 - شرح رساله فی الصوم .
 - 26 - شرح من لایحضره الفقیه .
 - 27 - رساله فی فقه الصلوة .
 - 28 - رساله فی معرفة القبلة .
 - 29 - رساله فی فقه السجود .
- ب - علوم قرآنی (9 جلد):
- 1 - حاشیه انوار التنزیل قاضی بیضاوی .
 - 2 - حل الحروف القرآنیہ .
 - 3 - حاشیه کشاف زمخشری .
 - 4 - اساله خواجه .
 - 5 - تفسیر عین الحیوة .
 - 6 - العروة الوثقی .
 - 7 - تفسیر آیہ شریفه (فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی الکعبین) که در اربعین به تفصیل آمده است .
 - 8 - تاویل الایات .
 - 9 - اکسیر السعادتین (آیات الاحکام) .
- ج - حدیث (2 جلد):
- 1 - حاشیه کتاب (من لایحضره الفقیه) .
 - 2 - اربعین (که ترجمه آن توسط نگارنده انجام پذیرفته است) .
- د - ادعیه و مناجات (6 جلد):
- 1 - حاشیه بر صحیفه سجادیه .
 - 2 - الحدیقة الهلالیه .
 - 3 - الحدیقة الاخلاقیه .
 - 4 - شرع دعای صباح .
 - 5 - مصباح العابدین .
 - 6 - مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة .

- هـ - اصول اعتقادات (5 جلد):
- 1 - اثبات وجود القائم .
 - 2 - اجوبة سيد زين الدين .
 - 3 - الاعتقاديہ .
 - 4 - مقارنه بين اماميه و زيديه .
 - 5 - وجوب شكر المنعم .
 - و - اصول فقه (5 جلد).
 - 1 - زبدة الاصول .
 - 2 - شرح عضدى .
 - 3 - حاشيه زبدة الاصول .
 - 4 - شرح حاشيه خطائى .
 - 5 - الوجيزه .
- ز - رجال و اجازات (8 جلد):
- 1 - اجازه او به ميرداماد.
 - 2 - اجازه او به مجد الدين .
 - 3 - حاشيه خلاصة الاقوال علامه حلى .
 - 4 - حاشيه رجال نجاشى .
 - 5 - حاشيه معالم العلماء ابن شهر آشوب مازندرانى .
 - 6 - طبقات الرجال .
 - 7 - الفوائد الرجاليه .
 - 8 - الاجازات .
- ح - ادبيات و علوم عربى (28 جلد):
- 1 - اسرار البلاغه .
 - 2 - تخميس غزل خيالى بخارايبى .
 - 3 - تهذيب البيان .
 - 4 - تعزيت نامه .
 - 5 - حاشيه بر مطول تفتازانى .
 - 6 - ديوان اشعار فارسى و عربى .
 - 7 - رياض الارواح .
 - 8 - شير و شكر .
 - 9 - طوطى نامه (شامل 2500 بيت).
 - 10 - فوائد صمديه .
 - 11 - قصيده در مدح پيامبر خدا (ص).
 - 12 - كافيہ .
 - 13- 17 - كشكول (5 جلد).
 - 18 - لغز الفوائد الصمديه .
 - 19 - لغز القانون .
 - 20 - لغز كافيہ .
 - 21 - لغز كشاف .
 - 22 - محاسن شعر سيف الدوله .
 - 23 - المخلاة .
 - 24 - مکتوب او به سيد ميرزا ابراهيم همدانى .
 - 25 - سوانح سفر الحجاز، معروف به مثنوى نان و حلوا.
 - 26 - نان و پنير .
 - 27 - وسيلة الفوز و الامان فى مدح صاحب الزمان (عج).
 - 28 - پند اهل دانش به زبان گربه و موش .
- ط - وقايع الايام (1 جلد):
- 1 - توضيح المقاصد فى ما اتفق فى ايام السنة .
- ى - رياضيات (20 جلد):
- 1 - اسطرلاب .

- 2 - انوار الكواكب .
- 3 - بحر الحساب .
- 4 - التحفه (اوزان شرعی) .
- 5 - تحفه حاتمی .
- 6 - تحقیق جهت قبله .
- 7 - تشریح الافلاك .
- 8 - حاشیه تشریح الافلاك .
- 9 - حاشیه شرح التذکره خواجه نصیر الدین طوسی در هیات .
- 10 - حاشیه شرح قاضی زاده روحی .
- 11 - الحساب .
- 12 - حل اشکال عطارد و قمر .
- 13 - خلاصه الحساب و الهندسه .
- 14 - شرح صحیفه .
- 15 - صحیفه در اسطرلاب .
- 16 - استعمال .
- 17 - تقویم شمس با اسطرلاب .
- 18 - القبلة، ماهیت و علامات آن .
- 19 - معرفة التقویم .
- 20 - جبر و مقابله .
- ك - حکمت و فلسفه (3 جلد):

- 1 - انکار جوهر الفرد .
- 2 - الوجود الذهنی .
- 3 - وحدت وجود .
- ل - علوم غریبه (4 جلد):
- 1 - احکام النظر الی کنف الشاة .
- 2 - رساله جفر .
- 3 - جفر .
- 4 - فالنامه .

و چند جلد کتاب دیگر که موضوعات آنها مشخص نشده است، مانند: شرح حق المبین، الصراط المستقیم، القدسیه و اولین کسی که يك دوره فقه غیر استدلالی به صورت رساله عملیه به زبان فارسی نوشت به نام (جامع عباسی) شیخ بهائی است.

گفتار بزرگان:

برخی در توصیف او گفته اند: شیخ بزرگوار ما (علا مه جهان بشر و مجدد دین در قرن حادی عشر) است که ریاست مذهب و ملت به او منتهی گردید، و در علوم و فنون اسلامی فنی وجود نداشته که او از آن بهره ای نبرده باشد. مقام علمی:

گاهی ستارگانی طلوع کرده اند که غیر از فروغ شعر و نویسندگی، دارای پرتو نبوغ و مواهب فطری دیگری هم بوده اند یکی از همین نوابغ، بدون شك حکیم و فقیه و عارف و منجم و ریاضی دان و شاعر و ادیب و مورخ بزرگ، در آسمان علم و فقاہت، شیخ بها الدین عاملی، معروف به (شیخ بهائی) است شیخ بهائی نه تنها در فقه و حکمت و ریاضیات و لغت و حدیث دست داشته است، بلکه او واجد کمالات و حایز علوم معقول و منقول بوده است هنوز داستانهای حیرت آوری که از شگفتیهای علمی اوست، در اذهان مردم جریان دارد و حقا می توان گفت شیخ بهائی نه تنها عالم کم نظیری است، بلکه در نوع خود شخصی بی مانند است اطلاعات وسیعی که شیخ بهائی در رشته های مختلف داشته، به شهرت وی کمک بسیاری کرده است و تنها طبقه خواص و اهل مطالعه نیستند که او را می شناسند، بلکه توده مردم هم با اسم او آشنایی کامل دارند. شیخ بهایی در اثر ذکاوت و استعداد فطری که داشت، با بهره گیری از پدر و محیط علمی و فضیلتی اصفهان توانست در علوم و دانشهای متداول عصر تجری به دست آورد .در جامعیت و تنوع علوم و دانش، کمتر نظیری می توان بر او پیدا نمود. او خود با تواضع و فروتنی خاصی، به این حقیقت اعتراف دارد، آنجا که می گوید : من در مباحثه و جدل ، بر هر ذوفنونی چیره شدم، ولی هرگز نتوانستم با کسی که در يك فن استاد بود، حریف شوم.

پس هر انسانی نمی تواند در تمام فنون موفقیت و پیشرفت داشته باشد، بسیار بجاست که مریبان و پیش کسوتان ذوق فرد را در یابند و او را به مسیر مورد علاقه اش هدایت کنند.

مسافرت:

شیخ بهائی مردی جهانگرد بوده است و به مصر، شام، حجاز، عراق، فلسطین، آذربایجان وهرات مسافرت کرده است .

دوران:

در اول قرن یازدهم هجری، و نیمه اول قرن هفدهم میلادی برای مؤرخین دارای اهمیت و اعتبار ویژه ای است قرن هفدهم میلادی، قرن پیشرفت و رنسانس علمی در اروپا نام گرفته است، از طرفی در این زمان زمامدارانی حاکمیت داشته اند، مانند (سلیمان قانونی) در عثمانی، شاه عباس صفوی اول در ایران، سلطان مغول محمد شاه اکبر در هندوستان، ملکه الیزابت اول در انگلستان، و لوئی چهاردهم در فرانسه که همه، برخلاف اسلاف و اقران خود، عموماً معروف به علم دوستی و دانش طلبی بوده اند و در روزگار این حکومتها، دانشمندان و هنرمندان نامی در سر تا سر جهان پا به عرصه حیات نهادند، فی المثل در انگلستان (فرانسیس بیکن) که از میراث غنی فرهنگ اسلامی بهره ها برده است (شکسپیر) شاعر نامدار در فرانسه (رنه دکارت) شاعر و نمایشنامه نویس، (کورلی) و (مولر) در آلمان، فلکی دان معروف، (کپلر)، و در ایتالیا (گالیله) رشد و نما یافته اند.

به موازات همین آگاهیهای عمومی و جهانی، در دنیای اسلامی نیز نویسندگان و فلاسفه نامداری مانند ملا صدرا میرداماد و شیخ بهائی پا به عرصه حیات علمی نهاده اند، که در مورد شخصیت اخیر گفته اند او قبل از (نیوتن) دانشمند انگلیسی، به قوه جاذبه زمین توجه داشته و در مورد سقوط آزاد اجسام بر حسب جاذبه خورشید، ثوابت، سیارات و اقمار بحث و گفتگو نموده است.

وفات:

در مورد تاریخ وفات شیخ بهائی نیز اقوال گوناگون وجود دارد، صاحب (تاریخ عالم آرای عباسی) که از مأخذ مورد اعتماد است، می گوید که در شب چهارم شوال سال 1030 هـ. ق بیمار شد و هفت روز رنجور بود، تا اینکه در شب 11 شوال در گذشت و از آنجا به مشهد بردند و در آنجا که درس می گفت، به خاکش سپردند.